

صلوات
پر عفت
رحمت

سریننده
عیرضا لطف
صفا صفا
مدارها



صلوات ترنم عشق

شناسنامه کتاب

عنوان : صلوات ترنم عشق

سراینده: علیرضا لطفی (حامد اصفهانی)

خوشنویسی: استاد محسن بهار زاده

نگار گری: استاد رضا بدرالسمما

طراحی: محمد بدرالسمما

تدوین و صفحه آرایی: فریده باقری









بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
صلوات بر محمد و آل
صَلَاةٌ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

پرتو نور صلوات

شب گریزان شود از پرتو نور صلوات
دیده بگشا بنگر صبح ظهور صلوات

گوش دل باز کن و نغمه ی اسرار شنو
لحن داودی و آوای زبور صلوات

زنگ املا بد و جبریل بگفتم املا
می نوشتم به سحر متن وسطور صلوات

هاتفم در سحر از غیب بشارت می داد
که نشانت بدهم لوح قطور صلوات

روزگاری است که ما چشم به راهت هستیم
صبح موعود شود شور و سرور صلوات

پرده انداز ز رخ تا بسراییم همه
شد اجابت همه ی ختم و نذور صلوات

می شوم مست تماشا ی جمالت ساقی
سر کشم از قدحت شرب طهور صلوات

به امید قبسی "حامد" اگر آمده ای
دل قوی دار در این وادی طور صلوات

می رهد ز آتش دوزخ به قیامت هر کس
دیدگان دوخته بر رب غفور صلوات

حامد اصفهانی

اولین ترنم عشق

بسم الله الرحمن الرحيم
با صلوات خود چو گل بشکفیم

هر صلوات خود ترنم بود
کز آن گل و شکوفه ها بشکفد

هر صلوات نغمه های هزار
به بوستان می شنوی هر بهار

با صلوات به خدا ملحقی
زمزمه کن ترنم عاشقی

با صلواتی به دف و چنگ و تار
ترنم عشق شنو در بهار

با صلواتی به ترنم بخوان
کامده آن منجی خلق جهان

با صلوات و با سلام و درود
ترنم عشق توانی سرود

با صلوات کن غم از دل برون
ز لا یخافونی و لا یحزنون

با صلواتی دلت آرام کن
دوا خود از تمام آلام کن

با صلواتی به ترنم سحر
رسیده آن حجت ثانی عشر

با صلواتی ز همه دست گیر
ز مردمان بی پناه و فقیر

با صلوات خود غنی می شوی
ترنم عشق همی بشنوی

با صلوات همه را یار باش
یار تو بر خلق گرفتار باش

گو صلواتی و تو انفاق کن
تو بر ظهورش همه مشتاق کن

با صلوات همدم قدسیان
نغمه سرا رسیده صاحب زمان

با صلوات بزن او را صلا
یوسف گمگشته ی زهرا بیا

با صلواتی که فرستاده ایم
بهر ظهورت همه آماده ایم

ما همه مشتاق تو ای مهربان
با صلوات خود به روز و شبان

با صلواتی همه گلها شکفت
تا بشد افشا همه راز نهفت

با صلواتی بکن ای مهربان
چهره ی خود بر همه عالم عیان

با صلواتی همه در زمزمه
زین گل نرگس پسر فاطمه

با صلوات خویش از عمق جان
دل بسپارید به صاحب زمان

با صلوات خویش غوغا کنید
جمال مهدی تماشا کنید

با صلوات روی مهدی ببین
عشق به او کن به دلت آتشین

با صلوات خویش پروردگار
می کند هر لحظه رخس آشکار

لحظه به لحظه صلواتش همی
داده کرامت به بنی آدمی

گو صلوات و همچو پروردگار
چهره ی مهدی بنما آشکار

با صلوات آینه گردان دلت
آینه حل کند یقین مشکلت

آینه بندان صلواتت کند
کام تو شیرین به نباتت کند

با صلوات خود به لیل و نهار
نشین تو خود در برپروردگار

با صلوات خود به صد شوق و شور
می نگری سر زده صبح ظهور

حامد اصفهانی

۲۹ شهریور ۱۴۰۳

دومین ترنم عشق

هر صلوات رهنمایی کند
چو بلبلان نغمه سرایی کند

با صلوات چهچهه بلبلان
عرصه ی گیتی بکند گلستان

با صلوات و نغمه های هزار
غرق شکوفه می شود شاخسار

با صلوات بشنو اینک نوید
طلیعه ی صبح ظهورش دمید

با صلوات دل نما صیقلی
آینه دل، دل جلوات علی

با صلوات می کند رخ عیان
یوسف زهرا به دل عاشقان

با صلوات خود برون کن محن
نظر نما به حجة ابن الحسن

با صلوات می کند رخ عیان
خنده کنان مهدی صاحب زمان

با صلوات خود قیامت کند
از همه مؤمنان شفاعت کند

با صلواتی همه مومن شوید
تا ز خطر ها همه ایمن شوید

هر صلوات بوده حصن حصین
رمز نجات همه مستضعفین

با صلوات دل به دریا بزن
تا که رها شوی ز رنج و محن

با صلوات مؤمنین صبح و شام
حضرت مهدی بنماید قیام

با صلوات می نماید ظهور
قلب بشر را بکند پر سرور

گو صلوات و به خود ایمان بیار
درون خود بین خود پروردگار

گو صلوات و مهدوی شو عزیز
به نفس اماره ی خود کن ستیز

با صلوات یار مهدی شوید
بانگ لثارات ورا بشنوید

هر صلوات بانگ خونخواهی است
نغمه ی آزادی و آگاهی است

هر صلوات بانگ بیداری است
ترنم عشق به هشیاری است

با صلوات خود الهی شوید
به عمق دریا همه ماهی شوید

با صلوات خود برو آسمان
به قاب قوسین رسی بی گمان

با صلواتی دهدت جبرئیل
مقام والا به تو همچون خلیل

با صلواتی بشو مانند نوح
مست شو از جرعه ی جام صبوح

با صلواتی بشو همچون کلیم
همسخن خدا که باشد حکیم

با صلواتی بشو همچون مسیح
معجزه کن تو با بیانی ملیح

هر صلوات بر محمد تو را
می بردت به محضر کبریا

با صلوات می توان او شوی
بسته بر آن طره و گیسو شوی

گو صلوات و خال رویش نگر
دل بده بر حجت ثانی عشر

نقطه ی پرگار وجود جهان
خال رخ مهدی صاحب زمان

با صلواتی که فرستی مدام
عرض ادب کن به ربیع الانام

با صلوات بر امام زمان
می رهد از غصه تمام جهان

با صلواتی خودت اعجاز کن
هر در بسته بر خودت باز کن

با صلواتی تو خود احیا کنی
معجزه بر خود چو مسیحا کنی

گو صلوات و خود دلت زنده کن
ز عشق مهدی دلت آکنده کن

با صلوات دم به دم صبح و شام
پیش قدم او بفرما قیام

با صلوات خود به ابن الحسن
هماره گو بر همه مردم سخن

با صلوات یاد مهدی کنید
به کام خود هماره شهدی کنید

هر صلوات خوشتر است از عسل
با عسل نحل نسازش بدل
با صلوات دل به مهدی سپار
تا بردت کنار پروردگار

با صلوات خود به صاحب زمان
از همه غم ها دل خود وارهان

با صلواتی تو شوی رستگار
شود خزان زندگی ات بهار

با صلوات خود شوی شاد شاد
ز غم رهایی تو به یوم المعاد

با صلوات خود چه غوغا کنی
خلق جهان را همه شیدا کنی

با صلواتش خود پروردگار
چهره ی مهدی بکند آشکار

با صلوات خود به لیل و نهار
جلوه پس جلوه کند بیشمار

با صلوات خود به وقت نشور
عالم هستی بکند غرق نور

با صلواتی تو نظر باز کن
به بام عرش حق تو پرواز کن

هر صلوات بر محمد تو را
از غم و اندوه تو سازد رها

با صلوات بر محمد بدان
شوی تو برتر ز همه قدسیان

حامدم و با صلواتی سحر
نظر کنم حجت ثانی عشر

با صلواتی بشو زین تن برون
انک میت و هم المیتون

با صلواتی به حقیقت بمیر
زنده شو زآن پس تو ز جام امیر

با صلواتی همه آرام کن
راحت و آسوده ز آلام کن

با صلوات خویش پروردگار
خلق جهان را بنما رستگار

با صلوات خود به ابن الحسن
رها کن از غم همه ی مرد و زن

با صلوات خود به آدینه ها
منتظرم تا بنمایی ورا

با صلوات دل سپارم به یار
تا که به پایان برسد انتظار

حامد اصفهانی

۳۰ شهریور ۱۴۰۳

سومین ترنم عشق

با صلواتی به تو نجوا کنم
تا همه آلام مداوا کنم

با صلواتی به تو یابن الحسن
نموده یادت به هر آن انجمن

با صلوات می سرایم مدام
که عاشقم من به ربیع الانام

با صلوات می روم اوج اوج
همره خیل قدسیان فوج فوج

گو صلوات و دل به مهدی سپار
تا رخ خود بر تو کند آشکار

با صلوات ای همه عاشقان
دل بسپارید به صاحب زمان

بر صلواتان نماید عیان
چهره ی خود مهدی صاحب زمان

با صلواتان به شوق و به شور
یوسف زهرا بنماید ظهور

بر صلواتان عنایت کند
دعای امت استجابت کند

از صلواتان همان مستطاب
افکند از چهره ی ماهش نقاب

با صلواتی همه با یک نظر
دل بسپاریم بر آن منتظر

با صلوات با تو گویم سخن
یار منی هماره یابن الحسن

هر صلواتی گره وا می کند
دل ز غم و غصه رها می کند

با صلوات می نماید ظهور
جهان شود زمقدمش پر سرور

با صلوات هر چه می خواستی
می دهد او بی کمی و کاستی

با صلوات خود تو بنما ظهور
که دارد آن یوسف زهرا حضور

با صلوات تو در آینه بین
جلوه ای از منجی مستضعفین

با صلوات می توان هو شوی
مست همان نوگل خوشبو شوی

حامد اصفهانی

۳۰ شهریور ۱۴۰۳

در امامزاده احمد بن موسی بن مبرقع بن جواد علیه
السلام معروف به امامزاده احمد رضا علیه السلام

چهارمین ترنم عشق

با صلوات خود به بزم هنر
سروده ام این همه اشعار تر

با صلوات لطف پروردگار
هدیه گردیده به من بیشمار

با صلوات می سرایم مدام
ز رمز و راز آن به شهد کلام

با صلوات خود تنفس کنم
ز عشق آن یار تجسس کنم

با صلوات عاشق او منم
رها ز جهل و شرک اهریمنم

با صلوات گفته یابن الحسن
رها ز نفسم کن و از اهرمن

ذکر شریف صلوات خدا
می بردم به عرش اوج سما

گو صلوات و یاد مهدی نما
که یاد او می بردت تا خدا

با صلوات هر چه خواهی بیاب
یقین رسی به محضر آن جناب

گو صلواتی و بین در خیال
جلوه ی آن دلبر نیکو خصال

گو صلوات و عاشقی پیشه کن
وصل و راه اندیشه کن

با صلوات سیر آفاق کن
دل به زیارتش تو مشتاق کن

با صلوات بر تو بگشوده راز
پرچم عشقت شده در اهتزاز

با صلوات خود خدای ودود
دوباره تجدید بفرما وجود

با صلوات کن اجابت دعا
خلق خود از جهل جدا کن جدا

با صلوات خویش پروردگار
رسان به پایان دگر آن انتظار

با صلوات ناب خود ای عزیز
ده به خلائق همه درک تمیز

با صلوات خود تو حاجت روا
تمام خلقت بنما از دعا

با صلوات ده مرا معرفت
وز گنهم بده مرا مغفرت

هر صلوات بر من است مغتنم
تا نگرم درون خود صد حرم

با صلوات می شوم غرق نور
خود خود مهدی بشوم در ظهور

با صلوات می شود مستجاب
دعای تو به برکت آن جناب

با صلوات خود خدای حکیم
وزد به دلهای خلائق شمیم

با صلوات خویش گسترده خوان
بر همه ی خلق خودش داده نان

با صلوات و یمن این عاشقی
جمله خلائق بکند متقی

حامد اصفهانی

۴ مهر ۱۴۰۳

پنجمین ترنم عشق

با صلوات دل بدادم به یار
یار یکی حضرت پروردگار

با صلوات خود شدم یار یار
یار به من چهره نمود آشکار

با صلوات خود شدم باخبر
از همه اسرار به اشعار تر

با صلوات خویش حامد شدم
همدم مردان مجاهد شدم

با صلوات عبد سبحان شدم
بهره ور از نور فراوان شدم

با صلوات دل سپردم به او
دیده جمال حضرتش رو برو

با صلوات می توان او شدن
مست از آن نو گل خوشبو شدن

با صلوات خوان به ام الكتاب
بشارت ظهور آن مستطاب

با صلوات در درونت نگر
جلوه کند حجت ثانی عشر

با صلوات خویش عاشق شوید
با خبر از جمله حقایق شوید

با صلوات در درونت مدام
پرتو فکنده بس ربیع الانام

با صلوات خود گره وا کنی
گمشده ها را همه پیدا کنی

با صلواتی به سر شاخسار
شکوفه ها می شکفد در بهار

با صلوات بین به دشت و دمن
شکفته یاس و نرگس و یاسمن

گوصلوات و ماه و استاره بین
به کهکشان ها بنگر از زمین

با صلوات نغمه ها سر دهید
نغمه ی عاشقانه مثل شهید

با صلوات ، خود ترنم شنو
ترنم عشق شنو نو به نو

هر صلوات ، می دهد شور و حال
تا که رساند همه اوج کمال

با صلوات خود به شوق و جنون
زهر چه غیر حق برون شو برون

با صلوات می توان او شوی
ترنم عشق ز او بشنوی

با صلوات خود تو بیدار شو
یوسف خود را تو خریدار شو

با صلوات، خود به خود ده بها
که قیمتت بیش بود از طلا

با صلوات کن تو فتح الفتوح
تا که بود درون جسم تو روح

هر صلوات تو بود کیمیا
مس وجود تو نماید طلا

گو صلوات و دل به یارت سپار
یار یکی دان خود پروردگار

با صلوات همه جا یار بین
یار همه خلق گرفتار بین

ترنم عشق صلوات سحر
ز مرغ دل گشوده صد بال و پر

حامد اصفهانی

۵ مهر ۱۴۰۳

ششمین ترنم عشق

گو صلوات و بنده ی خاص شو
هماره در عشق پر اخلاص شو

گو صلوات و خود نما بندگی
تا به تو شیرین بشود زندگی

گو صلوات و غم ز دل کن برون
شادی تو یقین بگردد فزون

گو صلوات و همراه قدسیان
بکن تو پرواز به هفت آسمان

با صلوات شو به شادی و شور
به راه مهدی رو و بنما ظهور

با صلوات شاد و خندان شوی
به بزم عشاق غزلخوان شوی

با صلوات دل به مهدی سپار
هستی خود کن تو به راهش نثار

با صلوات می رهی از فتن
روی به راه حجة ابن الحسن

با صلوات دفع شیطان کنی
پیروی از راه شهیدان کنی

با صلوات غم ز دل می رود
گرد غم از سینه ی تو بسترد

با صلوات خود تو اعجاز کن
به عرش کبریا تو پرواز کن

با صلوات خود به وقت سحر
نما تو گامت پر شهد و شکر

با صلوات شکن اصنام را
به تن نما جامه ی احرام را

با صلوات خود همی کن قیام
کن دل خود کعبه ی بیت الحرام

با صلوات شو ز شیطان تو دور
دیده ی شیطان درون کن تو کور

با صلوات جلوه ی نور شو
غرق سرور و شادی و شور شو

با صلوات خود رهی از عذاب
می فکنی ز روی ماهت نقاب

با صلوات از همه دل می بری
یوسف زهرا پسر عسکری

با صلوات کن جهان غرق نور
شده دگر وقت قیام و ظهور

با صلواتی همه بیدار کن
چاره بر این خلق گرفتار کن

با صلوات خود گره وا کنی
گمشده ی خویش تو پیدا کنی

با صلوات خود تو خود را شناس
خود مکنی مثل شیاطین قیاس

با صلوات خود همی پاک باش
به درگه خدا همان خاک باش

با صلوات خود تو افتاده باش
ز آتش درون تو آزاده باش

با صلوات خود به گاه سجود
شوی تو آگاه ز غیب و شهود

با صلوات پرده یک سو بزن
نظر نما به حجة ابن الحسن

با صلواتی شده وقت ظهور
ز پیچ تاریخ جهان در عبور

با صلواتی بنگر غزه را
شیطنت جماعتی هرزه را

با صلواتی تو به لبنان نگر
نتانیاهو زده بر آن شرر

با صلوات مسلمین خاص و عام
جهان مهیا بشود بر قیام

با صلوات و خون آن کودکان
به خاک صهیون شود آتشفشان

با صلوات آیه آمد عجیب
نصر من الله وفتح قریب

با صلوات نک بشارت رسد
جهان ز صهیون به یقین می رهد

با صلوات حضرت سید علی
بشارتی داده به صوتی جلی

با صلوات مؤمنین با دعا
جهان شود ز شر صهیون رها

با صلوات جمله ی مؤمنین
وارث ارضند همه صالحین

با صلوات بر خلائق نوید
که وقت نابودی شیطان رسید

با صلوات با هزاران امید
موسم نابودی صهیون رسید

با صلواتی همه همت کنیم
ز صهیون اعلام برائت کنیم

با صلواتی همه همت کنیم
یاری انصار ولایت کنیم

با صلوات و با سرشک روان
کن تو دعا نایب صاحب زمان

با صلوات همه از مرد و زن
رسد ظهور حجة ابن الحسن

با صلوات همه امت یقین
رسد حکومت به همه صالحین

با صلوات رسته امت زغم
زمین شود تمام صحن حرم

این صلوات ذکر آزادی است
بر همگان ترنم شادی است

این صلوات می کشد انتقام
ز دشمنان چو او نماید قیام

با صلوات می شوی شاد شاد
رها ز ناری تو به یوم المعاد

با صلواتی همه انسان شوید
رها ز هر فتنه ی شیطان شوید

با صلوات وسوسه ها کن تو دور
ز آتش نفس خودت کن عبور

با صلواتی همه همت کنیم
به یکدگر ز جان محبت کنیم

با صلوات مثل گل بشکفیم
ما گل زهرا به هر آن مصحفیم

با صلوات دفتر دل گشا
درون آن بین گل خیر النساء

با صلوات همراه قدسیان
سفر نما به اوج هفت آسمان

با صلواتی بنگر منجلی
جمال او در رخ سید علی

چون شهدا را تو به یاد آوری
با صلوات کن ز او پیروی

با صلوات در رهش کن قیام
یاور او باش به حفظ نظام

این صلوات بهر ما حامی است
حافظ جمهوری اسلامی است

این صلوات ما رجزخوانی است
بصیرت و غیرت ایرانی است

با صلوات شد به پا انقلاب
عیش ستمگران زآن شد خراب

با صلوات جمله مردان جنگ
عرصه به دشمن وطن کرده تنگ

خاطره ها بوده بسی یادگار
کز صلوات کرده جان ها نثار

با صلوات خط دشمن شکست
رشته ی فتنه های شیطان گسست

حامد اصفهانی

۷ مهر ۱۴۰۳

هفتمین ترنم عشق

گو صلوات و با خداوند باش
هماره با خدا به پیوند باش

با صلوات دل پر از نور کن
چشم تمام دشمنان کور کن

با صلوات شو مهبای یار
یار یکی حضرت پروردگار

با صلوات خود به وحدت رسی
غیر خداوند نبینی کسی

با صلوات می رهی خود زغم
خود نگری درون صحن حرم

با صلوات خود ببینی به نور
یوسف زهرا بنموده ظهور

با صلوات خود ببینی به دل
مهدی و بر او شده ای متصل

با صلوات زین جهان رسته ای
به حضرت عشق تو پیوسته ای

با صلوات خود تو غوغا کنی
درون خود گمشده پیدا کنی

با صلوات خود تو خود را بیاب
به راه عشق و عاشقی کن شتاب

با صلوات بر محمد یقین
شعله ی عشق تو شود آتشین

با صلوات خود محمد شوی
بر همه مخلوق سر آمد شوی

با صلوات هر چه خواهی طلب
شوی یقین غرق سرور و طرب

با صلوات پرده ها زن کنار
بین همه جا جلوه ی پروردگار

با صلوات خود فقط او ببین
که خود به خود گفته همی آفرین

با صلوات خود به سید علی
حل کند حامد همه هر مشکلی

با صلوات من ز من گوش کن
سید علی مرا در آغوش کن

با صلوات من شنو ای عزیز
تا که به پایان برسد هر ستیز

با صلوات حضرت سید علی
رها کنم خلق ز هر مشکلی

با صلوات خود نمایم قیام
ظلم و ستم را همه سازم تمام

با صلوات خویش صلح آورم
بشارت از من بشنو رهبرم

با صلوات یار مردم منم
دشمن صهیونیسم اهریمنم

با صلوات می زنم من کنار
پرده ز روی ماه آن مه نگار

با صلوات خود به اعجازها
می‌کنم افشا همه‌ی رازها

با صلوات جمله خلق جهان
ز مؤمنان ز جمله‌ی صالحان

تمام اسرار هویدا کنم
با صلوات خویش غوغا کنم

با صلوات همه از مرد و زن
نگر جمال حجة ابن الحسن

با صلوات خویش سید علی
حل بنما تو خود هر آن مشکلی

با صلوات هر چه شیطان بسوز
زدشمنان و خائنان در نفوذ

با صلوات جمله ما یوسفیم
راز همان فاطمه در مصحفیم

با صلوات خود کنم آشکار
ما همه مهدی همه پروردگار

سید علی خامنه ای گوش کن
با صلواتی شنو از من سخن

با صلوات خود بشو رهنما
کتاب عاشقی تو تبیین نما

با صلوات خود به صد اشتیاق
راهی قدسیم ز خاک عراق

با صلوات خود ز کرب و بلا
غزه و لبنان شود از غم رها

با صلوات می رود هر محن
به موسم رجعت سید حسن

با صلوات آمده گاه فرج
درون قلب همه آید حجج

با صلوات خود مؤید شوید
ای همه مؤمنان محمد شوید

با صلوات موسم شادی است
صبح ظهور و صبح آزادی است

با صلوات شک ندارم یقین
می رسد آن منجی مستضعفین

با صلوات از من حامد شنو
بشارت ظهور را نو به نو

با صلوات آمده فتح و فرج
بشارت از رضا ز هشتم حجج

با صلوات می رسد گام گام
منجی عالم ربیع الانام

با صلوات می رود رنج و غم
قلوب مؤمنان نماید حرم

با صلوات حرم الله دل
به اهل بیت عصمتی متصل

با صلواتی تو در آیینه بین
عشق محمد به دلت آتشین

صد صلواتم به تو سید علی
از من حامد ز چه رو غافل

با صلواتم به یقین بی گمان
شاعر دربار امام زمان

با صلوات خود هزاران هزار
فصل خزان را بنمایم بهار

با صلوات خود در این ماه مهر
شدم درخشنده چو مهر سپهر

با صلوات خود به اشعار تر
دهم جهان ز دور ظلمت گذر

زین صلواتی که مکرر کنم
جهان به یکباره معطر کنم

با صلوات خود تو بنما قیام
فتنه ی صهیون لعین کن تمام

گو صلواتی و تو فرمان بده
امر به نابودی شیطان بده

سید علی با صلواتی بیا
از غم و اندوه جهان کن رها

با صلوات خود یقین بی گمان
توان تو نابود کنی دشمنان

با صلوات گر تو فرمان دهی
به ظلم دشمنان تو پایان دهی

با صلوات همه مهدی کنی
به کام مردم تو چه شهدی کنی

با صلوات وهمه رمز و رموز
سید علی خرمن شیطان بسوز

با صلوات خود بکن انقلاب
کاخ شیاطین زمان کن خراب

با صلوات پرده یک سو بزن
ز روی ماه حجة ابن الحسن

سید علی آینه ی مهدی است
هر صلواتش به جهان شهدی است

با صلوات خود به لبخند خویش
چاره نما این همه قلب پریش

با صلواتی به تو دل بسته ایم
سید علی ز خائنان خسته ایم

با صلوات ای همه ایرانیان
یاور او بوده در آخر زمان

با صلوات خویش دارم نوید
که فصل آزادی انسان رسید

سید علی خامنه ای در یقین
با صلوات آمده با صالحین

با صلوات خود برای نجات
دوباره تجدید نماید حیات

با صلوات خود به تو مایلیم
با تو نشسته بر لب ساحلیم

با صلواتی گره ها وا کنیم
تا که جمال او تماشا کنیم

با صلوات خود سرودم سحر
بشارت ظهور آن منتظر

حامد اصفهانی

۹ مهر ۱۴۰۳

هشتمین ترنم عشق

با صلوات خود کنون مؤمنان
دل بسپارید به صاحب زمان

با صلوات خود برای ظهور
نما تو از وادی ظلمت عبور

با صلوات می توان بنگری
تو حجة ابن الحسن العسکری

با صلوات او درون دل است
لیک دل منتظران غافل است

با صلوات خود ز غفلت در آ
تا نگری نوگل خیر النساء

سید علی خامنه ای السلام
با صلواتی تو بفرما قیام

با صلوات خود به شوری تمام
زدشمنان خود تو بگیر انتقام

با صلوات خویش آماده ایم
بهر شهادت همه استاده ایم

با صلوات جمله ی شاهدان
آمده همراه امام زمان

این صلوات بانگ رجعت بود
جهان پر از عطر و طراوت بود

با صلواتی چه غزلخوانی است
موسم رجعت سلیمانی است

با صلوات آمده سید حسن
تا برد اندوه و غم و هر محن

با صلوات آمده نک باگری
تا که کند سید علی یاوری

این صلوات خوش ردانی است
به شوق مهدی به غزلخوانی است

با صلوات شهدا در سحر
جلوه کند حجت ثانی عشر

با صلوات آمده همت کنون
نغمه سرایی بکند با جنون

با صلوات آن هنیه رسد
لاله به پیش مقدمش بشکفد

با صلواتی شه کرب و بلا
چهره ی مهدی بکند بر ملا

با صلواتی شهدا با سرور
ترانه خوان گشته به صبح ظهور

با صلوات خویش خندان شوید
شاد ز رجعت شهیدان شوید

با صلوات ای همه خلق جهان
دل بسپارید به صاحب زمان

با صلواتی همه پروانه وار
به گرد شمع حضرتش بیشمار

با صلوات روی مهدی بین
تبارک الله احسن الخالقین

با صلوات هلهله بر پا کنید
یار پریچهره تماشا کنید

با صلواتی همه درسنگریم
جان به کف وفدایی رهبریم

با صلوات خویش تبیین کنیم
راه ظهورش همه تزئین کنیم

با صلوات خویش حامد بیا
کن همه را به راه حق آشنا

با صلوات شکن اوهام را
بلکه شکن تمام اصنام را

با صلوات و این ترنم سحر
سروده ام این همه اشعار تر

با صلواتی شده دیگر تمام
دوره ی هجران ربیع الانام

با صلوات خود به هشتم امام
ترنم عشق نمودم تمام

حامد اصفهانی

۹ مهر ۱۴۰۳